45325 ـ اسباب عذاب قبر

سوال

می‌خواهم درباره‌ی گناهانی که باعث عذاب قبر می‌شود بدانم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اسباب عذاب قبر بسیار است و امام ابن قیم این اسباب را یکجا نموده، گفته است: «شاید برخی درباره‌ی اسبابی که باعث عذاب اصحاب قبور می‌شود، بپرسند. پاسخ این سوال را می‌توان از دو جنبه داد:

پاسخ مجمل و پاسخ مفصل:

به طور مجمل سبب عذاب کشیدن آنان جهلشان نسبت به الله و ضایع ساختن فرامین او و ارتکاب معاصی است، چرا که خداوند روحی را که او را شناخته و امرش را اطاعت نموده و از نواهی‌اش دوری جسته عذاب نمی‌دهد و بدنِ آن را نیز هرگز دچار عذاب نمی‌کند.

چرا که عذاب قبر و و عذابِ آخرت، اثرِ خشم الله بر بنده‌ی اوست؛ بنابراین کسی که الله را در این دنیا خشمگین سازد و سپس بدون توبه بمیرد، به اندازه‌ی خشم خداوند دچار عذاب می‌شود، کسی بیشتر و کسی کمترو کسی که تصدیق کرده و کسی که تکذیب نموده.

اما جواب مفصل چنین است:

رسول الله ما را از دو مردی آگاه ساخته که آنان را در حال عذاب در قبرشان دیده بود؛ یکی از آنان میان مردم سخن‌چینی می‌کرد و دیگری خود را از ادرارش پاک نمی‌داشت. یکی از آن دو طهارت واجب را ترک کرده بود و دومی با زبان خود کاری را مرتکب می‌شد که میان مردم دشمنی ایجاد می‌کرد، اگر چه راست می‌گفت. (سخن چینی حرام است حتی اگر سخنی که از کسی نزد کس دیگری برده می‌شود درست باشد).

و این هشداری است مبنی بر اینکه ایجاد دشمنی میان مردم با سخن دروغ و تهمت و بهتان بسیار بدتر است.

همینطور پاک نداشتن خود از ادرار اشاره‌ای است به اینکه عذابِ ترک نماز ـ که پاکی از ادرار یکی از واجبات و شروط آن است ـ شدیدتر و سخت‌تر است. و در حدیث شعبه آمده است: اما یکی از آن دو گوشت مردم را می‌خورد. این کسی است که غیبت مردم را می‌کرد و دیگری میان مردم سخن‌چینی می‌کرد.

و در حدیث ابن مسعود ـ رضی الله عنه ـ عذاب مردی بیان شده که به او چنان شلاق می‌زدند که از ضرب آن قبرش پر از آتش می‌شد، زیرا یک نماز را بدون وضو به جای آورده بود و از کنار مظلومی گذشته بود اما او را یاری نکرده بود.

و در حدیث سمرة در صحیح بخاری درباره‌ی عذاب شخصی سخن به میان آمده که دروغی می‌گوید و دروغش همه جا منتشر می‌شود...

و درباره‌ی کسی که قرآن می‌خواند و شب را با قرآن به خوب می‌رود و روز به آن عمل نمی‌کند...

و درباره‌ی شکنجه‌ی زنان و مردان زناکار...

و عذاب رباخواران، چنانکه رسول الله آنان را در برزخ دید.

و در حدیث ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ درباره‌ی کسانی سخن آمده که سرهایشان با سنگ کوبیده می‌شد زیرا سرهایشان از برخاستن برای نماز سنگین بود... (برای نماز از خواب بیدار نمی‌شدند)

و کسانی که میان ضریع و زقوم (غذاها و نوشیدنی‌ها جهنمیان) رفت و آمد می‌کردند، زیرا زکات اموال خود را نمی‌دادند...

و کسانی که به سبب زناکاری، گوشت گندیده می‌خوردند...

و کسانی که لب‌هایشان با قیچی‌های آهنی بریده می‌شد، زیرا با سخن و خطابه، باعث ایجاد فتنه می‌شدند...

و در حدیث ابوسعید عقوبت برخی از گناهکاران آمده، از جمله رباخواران که شکم‌هایشان به اندازه‌ی خانه‌ها بزرگ بود...

و کسانی که اموال یتیمان را خورده بودند که دهانشان را باز می‌کردند و در آن اخگر می‌انداختند تا آنکه از پایینشان بیرون می‌آمد...

و زنان زناکار که از پستان‌هایشان آویزان بودند...

و برخی که گوشت پهلوهایشان را می‌کندند و به خوردشان می‌دادند، و آنان اهل غیبت بودند...

و کسانی که آبروی مردم را می‌برند که با ناخن‌های مسی، صورت و سینه خود را خراش می‌دادند...

و پیامبر ما را از حال کسی آگاه نموده که در جنگ، پیش از تقسیم غنایم، چادری را برداشته بود و به سبب آن در قبرش آتش شعله‌ور بود. این در حالی بود که او از غنایم حقی داشت، چه رسد به کسی که در غیر حق خود به مردم ستم می‌کند.

بنابراین عذاب قبر به گناهان قلب و چشم و گوش و دهان و زبان و شکم و شرمگاه و دست و پا و همه‌ی بدن تعلق می‌گیرد:

گناهان زبان مانند سخن چین و دروغگو و اهل غیبت و کسی که شهادت دروغ می‌دهد و کسی که به زن و مرد پاکدامن تهمت زنا می‌زند و آنکه به بدعتی دعوت می‌دهد و آنکه بدون علم سخنی را به الله و پیامبرش نسبت می‌دهد و کسی که بسیار سخن می‌گوید.

و رباخوار و کسی که مال یتیم را بالا می‌کشد و آنکه از راه باطل اموالی به دست می‌آورد مانند رشوه.

و کسی که مال برادر مسلمان خود یا غیر مسلمانی اهل پیمان را می‌خورد و همینطور شرابخوار.

و زناکار و اهل لواط و دزد و خائن و کلاهبردار.

و گیرنده‌ی ربا و دهنده و نویسنده و شاهدان آن، و کسی که زنی را برای مردی حلال می‌کند و کسی که برای او این کار را انجام می‌دهد و آنکه برای انجام ندادن واجبات خداوند و ارتکاب حرام حیله‌گری کند.

و آنکه مسلمانان را اذیت کند و در پی پوشیده‌های آنان باشد.

و حاکمی که به غیر آنچه خداوند نازل کرده حکم کند و کسی که بر اساس غیر شریعت خداوند فتوا دهد و آنکه در راه گناه و تجاوزگری یاری دهد.

و قاتل نفسِ حرام و آنکه در حرم خداوند الحاد پیشه سازد و کسی که حقیقت نام‌های الله و صفات او را تعطیل نماید.

و کسی که رای و ذوق و سلیقه و سیاست خود را بر سنت رسول الله مقدم بدارد.

و نوحه‌خوان و کسی که به او گوش دهد و نوحه‌خوانان جهنم یعنی کسانی که ترانه‌ای را می‌خوانند که الله و پیامبرش آن را حرام گردانده و کسی که به آن گوش فرا دهند... و آنان که بر قبور مسجد می‌سازند و آن (قبور) را چراغانی می‌کنند، و کم فروشان، یعنی کسانی که حق دیگران را کم می‌دهند اما حق خود را کامل می‌گیرند.

و ستمگران و متکبران و ریاکاران و طعنه زنان و کسانی که به اشاره‌ی چشم و ابرو دیگران را مسخره می‌کنند و آنان که در سلف امت طعن وارد می‌سازند.

و آنانی که به نزد کاهنان و ستاره‌شناسان و پیشگوها می‌روند و از آنان سوال می‌کنند و راستگویشان می‌دانند.

و یاران ستمگران و که آخرت خود را به دنیای دیگران فروخته‌اند.

و کسی که اگر او را از خداوند بترسانی و خداوند را به او یادآور شوی توجه نمی‌کند و دست از گناه نمی‌کشد، اما اگر او را از مخلوقی بترسانی می‌ترسد و دست از کار خود برمی‌دارد.

و آنکه با سخن الله و پیامبرش هدایت نمی‌شود، اما اگر سخن کسی که نسبت به او گمان نیک دارد را بشنود ـ با وجود آنکه دچار اشتباه می‌شود ـ می‌پذیرد و به آن چنگ می‌زند.

و کسی که بر وی قرآن می‌خوانند اما بر او هیچ تاثیری نمی‌گذارد و چه بسا شنیدن قرآن برایش سنگین باشد و خسته‌اش کند، اما هرگاه صدای قرآن شیطان و ماده‌ی نفاق (موسیقی) را بشنوند شاد می‌شود و به وجد می‌آید و طربناک می‌شود و آرزو می‌کند که آن خواننده ساکت نشود!

و آنکه به خداوند قسم می‌خورد و دروغ می‌گوید، اما اگر به شیخ خود یا جان خودش و نزدیکانش و دیگر مخلوقاتی که نزدش دارای احترام هستند قسم بخورد دروغ نمی‌گوید حتی اگر مورد تهدید قرار گیرد.

و کسی که به گناه افتخار می‌کند و آن را میان برادران و دوستان خود علنی می‌کند.

و کسی که نمی‌توانی او را بر مال و حریمت امانتدار بدانی و انسان بدزبانی که مردم از شر زبانش او را ترک گفته‌اند.

و کسی که نماز را تا آخر وقت آن به تاخیر می‌اندازد، سپس به سرعت و مانند نوک زدن کلاغ آن را می‌خواند و در نمازش جز اندکی الله را یاد نمی‌کند و زکات مالش را با خوشدلی نمی‌دهد و با وجود توانایی [مالی و بدنی] به حج نمی‌رود و حقوقی که بر عهده‌اش هست را ادا نمی‌کند.

و آنکه در نگاه و سخن و غذا و گام‌هایی که برمی‌دارد تقوا را رعایت نمی‌کند و برایش مهم نیست مالی که به دست آورده از چه راهی به دست آمده است.

و کسی که پیوند خویشاوندی را رعایت نمی‌کند و به بینوا و بیوه و یتیم و حیوانات رحم نمی‌کند، بلکه یتیم را می‌راند و برای غذا دادن بینوایان تشویق نمی‌کند و ریا می‌کند و از امانت دادن وسائل به مردم خودداری می‌ورزد و به جای پرداختن به عیب خودش به عیب مردم مشغول می‌شود و به گناهان خود نپرداخته به گناه مردم می‌پردازد.

این‌ها و امثال این‌ها به سبب این گناهان ـ کم یا زیاد و بزرگ یا کوچک ـ در قبور خود عذاب می‌بینند.

و از آنجایی که بیشتر مردم اینگونه هستند، بیشتر اهل قبور دچار عذاب می‌شوند و آنانی که از عذاب قبر نجات می‌یابند کم‌اند.

ظاهر قبور خاک، اما باطنش حسرت است و عذاب.

ظاهر آن را با سنگ و نقش و نگار زیبا کرده‌اند، اما باطن آن عذاب است و بلا و مانند دیگی است که با حسرت‌ها به جوش می‌آید و حق دارد، چرا که میان صاحبان این قبرها و شهوت‌ها و آرزوهایشان فاصله افتاده.

به خدا سوگند، قبر چنان نصیحت کرده که برای نصیحتگران جایی نمانده، و ندا می‌زند که: ای آبادگران دنیا، خانه‌ای را آباد کرده‌اید که زوالش نزدیک است، و خانه‌ای را خراب کرده‌اید که به زودی به سوی آن خواهید رفت.

خانه‌های را آباد کرده‌اید که دیگران در آن زندگی خواهند کرد و از آن سود خواهند برد، و خانه‌ای را خراب کرده‌اید که جایی جز آن ندارید.

اینجا خانه‌ی مسابقه است و انبار اعمال و محل کاشتن، و اینجا (قبر) محل عبرت است؛ یا باغی است از باغ‌های بهشت و یا چاله‌ای از چاله‌های آتش...».

به نقل از کتاب الروح (۹۵) اثر ابن قیم، با اندکی تغییر و تصرف.